

## و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

پاسخ به شبهات و سؤالات در باب تبلیغ را توسط حضرت آیت الله میلانی که عمری را در مسأله امامت گذارده اند، بشنویم. چرا که با روشنگری هایی که ایشان انجام داده اند، افراد بسیاری توسط مباحث ایشان مستبصر و آگاه شده اند. از حضرت استاد دعوت می کنم که به جایگاه تشریف بیاورند و ما هم سؤالات خود را شروع کنیم با صلوات بر محمد و آل محمد.

تقاضا می کنم از آیت الله میلانی به عنوان مقدمه ان شاءالله مطالبی را بیان بفرمایند تا برویم سراغ سؤالات.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. لَا سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ

- از آن جهت که بنده خودم را در مقام خدمت به امامت و ولایت اهل بیت می بینم و از سوی دیگر شما را افراد مشتاق به مباحث امامت و ولایت می بینم، لازم دانستم پیشنهاد اینکه یک ساعتی در خدمت شما باشیم را بپذیرم که اگر پرسش هایی وجود دارد، تا آنجا که بنده آمادگی داشته باشم، پاسخ ها را خدمت شما عرض کنم. سؤالات را مطرح بفرمایید در خدمتتان هستیم.

- این زحمت هایی که تا به حال در مباحث کلامی کشیده شده و الان هم ادامه دارد و باز غدیرستان همت خود را بر تربیت مبلغین غدیر گذاشته، چه تأثیری بر مخالفین این مباحث مربوط به غدیر گذاشته است؟

- اینکه شما در غدیرستان چه کردید و تا چه اندازه برنامه های شما تأثیر داشته به طور تفصیل خودتان بهتر می دانید. آنچه که بنده می دانم، خب اجمالاً خبر دارم ولكن عرضی که می کنم این است که زمان ما، زمان کار است. در این زمان همه باید برای امیرالمؤمنین علیه السلام کار کنند. چه در خصوص حدیث غدیر و یا در جهت دلایل دیگر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، بایستی همه کار کنند. هرکسی به هر مقداری که آمادگی و استعداد دارد و می تواند، باید در این جهت وقت و فکر بگذارد یا اموالی را خرج کند. به نظر من تکلیف است و یقیناً تأثیر دارد. چرا که در جامعه افرادی هستند که وقتی برای آنها مطالب به طور منطقی و مستدل و با متانت بیان شود، یقیناً پذیرای این مطالب خواهند بود. اهل ایمان، ایمانشان تقویت می شود و مخالفین هم اگر اهل تحقیق و انصاف باشند، مطلب مستدل و مستند را می پذیرند.

- البته همه ما مأمور به وظیفه هستیم. نتیجه دست خود خدا است. فقط دلمان می خواهد یکی از خاطرات شیرین در رابطه با تأثیر کارهای تبلیغی خودتان را برای ما بفرمایید که باعث قوت قلب دوستان شود.

- بنده نباید از خودم و یا کارهای خودم تعریف کنم. دیگران باید بگویند. ولی آنقدر به شما عرض کنم که عده کثیری از کسانی که وارد تشیع شدند، به تعبیر ما مستبصر شده اند، چه از تحصیل کرده های دانشگاهی و چه از تحصیل کرده های حوزوی آن ها، به برکت نوشته های بنده مستبصر شدند. چه در داخل ایران و چه در کشورهای مختلف. بنده چون شما فرمودید خاطره ای را عرض کنم. قرآن هم می فرماید: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ».

در یکی از سفرهای حج در مسجدالحرام با برخی از بستگان نشسته بودیم. آقایی وارد شد که افرادی که پیش بنده نشسته بودند، ایشان را می شناختند. اما بنده او را نمی شناختم. آنها به احترام او برخاستند. من هم تبعاً برخاستم. وقتی او به طرف ما آمد، با آن آقایان معانقه و مصافحه کرد و دست بنده را گرفت و بوسید. همراهانم از او پرسیدند مگر این شخص را می شناسی که نسبت به او تواضع کردی؟ ایشان فرمودند: «کیف لا اعرفه و هو سبب فاستبصاری». بعد رو کرد به بنده و گفت: «انت تجلس فی بیتک و تنشر هذه الكتب فی العالم. و ما تدری ماذا تفعل بهذه الكتب بالقلوب الناس». تو در خانه ات نشسته ای و نوشته های خود را در دنیا پخش

می کنی و نمی دانی این نوشته ها بر قلوب مردم چه می کند. این کسی است که از علمای الأزهر است؛ یعنی فارغ التحصیل دانشگاه الأزهر مصر است. سنش از من هم بیشتر بود و الان مقیم آمریکا است. ایشان یکی از بزرگان علمای اهل سنت و بلکه وهابی در آمریکا بود و چند مسجد در آنجا ساخته. این شخص به برکت نوشته جات بنده مستبصر است و اکنون به وسیله او خیلی ها مستبصر شده اند. به نام **شیخ مصباح الدربینی**. ایشان هنوز هم در قید حیات هستند. این یکی از موارد است.

- خیلی متشکرم. البته همه می دانیم بسیاری از مستبصرین اصلاً جرأت اینکه ایمان خود را اظهار کنند، ندارند. به دلیل عدم امنیت جانی. لذا با این که مستبصر هستند ولی سکوت کرده اند. سؤال بعدی این است که برای تأثیر بیشتر تبلیغ در عصر ما که عصر تکنولوژی است، از چه روش هایی می توانیم استفاده کنیم؟

- مطلب اول این است که در تبلیغ با **متانت حرف بزنی**م و رفتار کنیم. چرا که اشخاصی که با آن ها می خواهیم صحبت کنیم، یا از شیعیانند یا از مخالفین. اگر از شیعیانند که فرزندان اهل بیت علیهم السلام به شمار می آیند، فلذا باید با ایشان مؤدبانه و با محبت برخورد کنیم و ایمانشان را تقویت نماییم تا معرفتشان نسبت به اهل بیت علیهم السلام بیشتر شود. در نتیجه تقویت ایمان در فضای امروز تحت تأثیر شبهات و تشکیکات قرار نگیرند. با مخالفین هم اگر رو به رو شدیم، باید متانت و ادب را در بحث رعایت کنیم.

مطلب دوم این است که هرگاه از ما مدرک خواستند و سند بر گفته هایمان از ما مطالبه کردند، **سندی قوی ارائه کنیم**. بنابراین هم با متانت با مردم حرف بزنی، هم اسناد قوی ارائه کنیم. مخصوصاً اگر با مخالفین روبه رو شدیم، لازم است سند و مدرک معتبر قابل قبول به او ارائه کنیم. این چیزی است که بنده همیشه توصیه کردم. اگر به این دو شرطی که بنده امروز عرض کردم، عمل کنیم، یقیناً موفق خواهیم بود. البته کسانی هستند که قلبشان سیاه است و حرف زدن با آن ها اساساً فایده ندارد. **«انک لا تهدی من أحببت»**. خب با این افراد کاری نداریم. آن ها بر راهی که رفتند، باقی بمانند و خودشان می دانند.

- سؤال دیگری که می خواستیم از خدمت شما بزرگوار بپرسیم که در ضمن فرمایشات شما پاسخش گفته شد، این بود که در بحث های مختلفی که ما درباره غدیر داریم، آیا از نظر سندی ما به بحث بپردازیم یا تنها به متن و محتوا اکتفا کنیم که ظاهراً حضرت عالی سند را خیلی مهم می دانید.

- باز به شما عرض کنم، بنده طلاب خودم را اینچنین بار آوردم که اگر حدیثی را بخواهند استدلال کنند، آن حدیث از پنج جهت باید بحث شود. خوب دقت کنید چه عرض می کنم. هر حدیثی؛ چه **حدیث غدیر** یا **حدیث منزلت** و حدیث **مدینه العلم** باشد و یا هر حدیث دیگری، پنج جهت باید در آن حدیث تمام شود.

#### جهت اول:

توجه به لفظ حدیث است و این که ما محور بحثمان کدام لفظ است؟ پیش از این خدمتان عرض کردم لفظ حدیث غدیر را اینچنین ضبط کنید: **«الستُ أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟ قالوا بلی. قال فمن كنت مولاة فهذا علی مولاة»**. بنابراین امر اول می شود لفظ حدیث.

#### جهت دوم:

توجه به سند حدیث است. حدیث از نظر سندی باید طوری ارائه شود که طرف مقابل بپذیرد.

#### جهت سوم:

کیفیت استدلال به حدیث است. ما می گوییم در دلالت حدیث باید کاملاً دقیق باشیم. در کیفیت اقامه دلیل برای امامت امیرالمؤمنین علیه السلام از راه حدیث غدیر، از راه حدیث **«انت منی بمنزلة هارون من موسی»**، از راه حدیث **«انا مدینه العلم و علی بابها»** و امثال ذلک.

#### جهت چهارم:

باید آمادگی داشته باشیم که هم سؤالات و شبهاتی را که راجع به حدیث غدیر مطرح می کنند، خوب بدانیم و هم به پاسخ آن شبهات مسلط باشیم.

### جهت پنجم:

برای حدیث غدیر معارض ذکر می کنند. معارضات حدیث غدیر را باید بدانیم و برای پاسخ به آن معارضات هم باید آماده باشیم. اگر در حدیث غدیر در این پنج جهت کار کنیم، آن وقت به جمیع جهات حدیث غدیر رسیدگی کردیم و آمادگی کامل داریم. بنده تا این ساعت سراغ ندارم کتابی در خصوص حدیث غدیر که هر پنج جهت را کاملاً استیعاب و رسیدگی کرده باشد، الا کتاب **عبقات الانوار** و هنوز قدر این کتاب نزد خواص و اهل کار مجهول است.

- در فرمایشات حضرت عالی بوده که خداوند در آیه تبلیغ به جای «الله» واژه «ربک» را به کار برده؟

- بله عرض کردم هر آیه ای را که استدلال می کنیم، چون کلام خداست، تمام حروف و الفاظ آن آیه و نکاتی که وجود دارد، تک تک باید رسیدگی شود. کلمه «رَب» از اسماء خداوند متعال است. رب به معنای تعالی و برکت است. حالا به هر لفظی می خواهید بگویید! معنای رب این است. رب، آن کسی است که مدیریت می کند و رشد می دهد. شما اگر در لغت عرب کلمه رب را نگاه کنید، مثل همین کتاب **مفردات راغب** که از نظر بعضی بزرگان این کتاب مورد تأیید هست، رب به کسی گفته می شود که تربیت و رشد دادن شیئی را به عهده می گیرد.

«رب» در این آیه مبارکه می خواهد اشاره کند (البته این چیزی است که من احتمال می دهم. نمی توانم قرآن را تفسیر به رأی کنم ولی آن که بنده می فهمم، نکته دارد و بی جهت نیست.) و نکته اش این هست که در امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، رشد و پیشرفت و معنویت و تربیت و بار آمدن صحیح هست. اگر کسی الان این گلدان را درست رسیدگی کند و به موقع آب و کود و آفتاب دهد و ... می گویند: این گلدان را خوب تربیت کرد و بار آورد. در **اصول کافی** متعدد روایت داریم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «**أَدَبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي**». همچنان که مرا خداوند متعال خوب بار آورده، من نیز اهل بیت علیهم السلام را خوب بار آورده ام. خدا اهل بیت و امیرالمؤمنین علیه السلام را خوب بار آورده است. این همان تربیت بار آوردن است که ما در فارسی می گوییم. فلذا به احتمال عرض کنم این که به ذهن من می آید که کلمه «رب» در اینجا آمده نه کلمه **الله** یا **الرحمن** یا **الرحيم** و امثال ذلک نکته اش این باشد.

- خیلی متشکرم. ضمن عرض تشکر و خسته نباشید خدمت حضرت تعالی، سؤالی مطرح شده در رابطه با آیه ابلاغ؛ قول خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده که «**وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ**» خدا تو را از شر این مردم و بدخواهان حفظ می کند. اما بلافاصله ترور پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله شهادت ایشان را می بینیم و مصائبی که بعداً بر سر اهل بیت علیهم السلام آمده. آیا این اتفاقات با این آیه شریفه تناقض ندارد؟

- چون قرآن است، هیچ روایتی با قرآن تناقض پیدا نمی کند. باز در آیه دقت بکنیم: «**وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ**» خدا تو را حفظ می کند. نفرمود خدا شریعت یا دین تو را حفظ می کند. معلوم می شود که این ها نقشه داشتند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند و این با روایاتی که بیان می کند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را مسموم کردند، منافات ندارد. مسمومیت غیر از به قتل رساندن است. همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام را به قتل و به شهادت رساندند. اگر مسأله شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حسب روایاتی که داریم، تمام شود، باز به اصطلاح شهادت از طریق مسمومیت غیر از شهادت از طریق شمشیر است. اگر یادتان باشد، امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه هایشان فرمودند: خدایا این ها جان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را قصد کرده بودند. می خواستند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند اما موفق نشدند. خدایا پیغمبر صلی الله علیه و آله را تو بردی. اما این ها دارند انتقام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را از ما می گیرند.

تحقیقاً این ها بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، قتل امیرالمؤمنین علیه السلام را قصد کرده بودند. همچنانی که نسبت به حضرت زهرا علیها السلام هم همین نیت را داشتند. یعنی همان داستان عاشورا که اتفاق افتاد، از قبل مطرح بوده، پیش نیامد و نتوانستند. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه اشاره می کنند به خداوند متعال که خدایا من حسن و حسین علیهم السلام را به تو سپردم. تا وقتی من هستم، (به قول ما) داغ شان را بر دلم مگذار. این در خطبه های امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که بنده در بعضی از نوشته هایم، نوشته ام و چاپ شده. پس اجمالاً هیچ تعارض و تناقضی وجود ندارد بین «**والله يعصمك**» و بین این که روایاتی که داریم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را مسموم کردند.

- بله خیلی متشکرم. یکی از سؤالاتی که مطرح شده و خیلی هم مخالفین این را درشت می کنند و در تبلیغات خودشان به شیعیان می گویند، این است که مگر می شود ۱۲۰ هزار نفر در طی چند روز در غدیر خم بیعت کنند و در کمتر از دو ماه همان ها بشوند دشمن؟ این را چگونه می شود جمع کرد؟

- بله می شود و شده. اولاً همه آنها دشمن نشدند و این عبارت باز درست نیست. گروهی از آنهايي که در روز غدیر خم بیعت کردند، بی شک نقشه و طرح داشتند. برنامه و مقاصدی داشتند. اما گروهی دیگر از روی ترس و ارعاب و تهدید کنار رفتند و یا رأی خود را فروختند و گروهی که از اصحاب پیغمبر اکرم ﷺ که اصحاب امیرالمؤمنین ﷺ هم بودند، مأمور به تقیه و سکوت بودند. پس ببینید اینهایی که بیعت کردند، چند دسته شدند. برای مثال یکی از کسانی که با سقیفه مخالفت کرد، ابوسفیان بود. ابوسفیان بزرگ بنی امیه بوده و خودش قدرتی بوده است. عده ای داشته و اعلان مخالفت کرده است. اما با او جلسه ای گذاشتند، به او وعده هایی دادند، سکوت کرد. بنابراین کسانی را وعده دادند و یا خریدند و یا تطمیع کردند و آن ها وادار به سکوت شدند. کسانی از روی ارعاب و تهدید سکوت کردند. کسانی به امر امیرالمؤمنین ﷺ از روی تقیه سکوت کردند و اهالی مدینه که انصار باشند، مقاصد خودشان را داشتند که صدیقه طاهره ﷺ در خطبه شان خطاب به آن ها مطالبی فرمودند. آنها با پیغمبر اکرم ﷺ قرارداد داشتند که بعد از پیغمبر اکرم ﷺ مواظب اهل بیت ﷺ باشند. قول دادند به پیغمبر اکرم ﷺ همچنان که از اهل بیت خودشان و خانواده های خودشان دفاع می کنند، از اهل بیت رسول الله ﷺ هم دفاع کنند ولی این کار را نکردند. چرا که اغراض خودشان را داشتند. این در منابع اولیه وجود دارد که به اغراضشان نرسیدند. دوباره دعوت کردند به بیعت با امیرالمؤمنین ﷺ اما دیگر دیر شده بود.

خود قرآن برای ما داستانی را تعریف می کند که بنی اسرائیل تحت سلطه فرعونیان در فشار و شکنجه بودند. غیر از این است؟ خب دعا کردند و توسل کردند و خدا حضرت موسی ﷺ را فرستاد و بالاخره خداوند متعال فرعون را سرنگون کرد و حضرت موسی علیه السلام پیروز شد.

### «وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا»

بهترین امت حضرت موسی ﷺ همین هفتاد نفر بودند. زمانی که حضرت موسی ﷺ به طرف طور برای مناجات رفت، این هفتاد نفر را دست حضرت هارون سپرد. قرآن در **سوره طه** و غیر سوره طه داستان را مفصل بیان کرده است. پس چطور شد که این ها توسط آن سامری گوساله پرست شدند؟ فلذا می شود که در عرض چند ساعت بهترین قوم حضرت موسی ﷺ از خداپرستی به گوساله پرستی برگردند. حتی هارون ﷺ را هم می خواستند به قتل برسانند. در قرآن آمده است، پس می شود. در امم سابق واقع شده است، در این امت هم واقع شده و مکرر هم نظیرش در تاریخ اسلام اتفاق افتاده است. خود اهل کربلا، اهل عراق مگر نامه ننوشتند برای سیدالشهدا ﷺ و دعوت کردند از سیدالشهدا ﷺ برای آمدن به کربلا؟ خب این ها که مسلم است. مگر با حضرت مسلم بیعت نکردند؟ مگر مطابق اسنادی که داریم، چند هزار نفر پشت سر حضرت مسلم نماز نخواندند؟ چه طور شد که مسلم تک و تنها ماند؟! در کوچه ها سرگردان ماند؟ پس در تاریخ نمونه هایی داریم و هکذا در زمان های بعد نمونه های متعددی وجود دارد. بله این اتفاق می افتد اما می تواند عوامل و اسباب مختلفی داشته باشد.

- خیلی استفاده کردیم. جامع و کامل و خوب حضرت استاد جواب دادند. باز این سؤال مطرح است: وقتی تبلیغات دشمن کم و بیش کار خودش را می کند به خصوص روی افرادی که ایمانشان ضعیف و آشنایی شان کمتر است، تأثیر خودش را بر عوام جامعه می گذارد. مثلاً الان یکی از حضار سؤال کردند که این بحث عرب و عجم را که پیش می کشند، روی عوام خیلی اثر می گذارد. من خیلی عذر می خواهم که این طور صریح حرف نامربوط آن ها را می زنم ولی می خواهیم جواب کوتاه و قانع کننده ای از حضرت عالی داشته باشیم. می گویند این ها دعوایی بوده است بین عرب ها، چه ربطی به ما دارد؟

- ریشه این برمی گردد به صدر اسلام و ریشه های واضحی دارد که در تاریخ به ثبت رسیده. یک فرد محقق می تواند این ریشه ها را پیدا کند و ریشه یابی این مسأله کار سختی نیست. این که چه کسانی دامن زدند به این قضیه و این مسأله را توسعه دادند و چطور شد که تا به اینجا رسیده؟ البته چنین قضیه ای وجود دارد اما ریشه در تاریخ دارد و من الان بیشتر از اینکه اشاره کردم، نمی توانم توضیح بدهم. کسانی که اهل تحقیق هستند، می توانند ریشه یابی کنند، به صدر اسلام برمی گردد.

- سؤال دیگری که دوستان مطرح کردند: در شرایط کنونی جامعه ما به خصوص در مرزها، شیعه و سنی با هم دیگر زندگی می کنند. حال خود بنیاد امامت و به طور کلی شیعه برای شیعیان آن مناطق چه کاری انجام داده اند که این ها بتوانند در مقابل شبهات استقامت بکنند و پاسخ داشته باشند؟

- بله برنامه ما این هست که کار مثبت انجام دهیم. الان هم عرض کردم طلاب ما و فضایی ما به این دو شرطی را که الان عرض کردم، مقید هستند و پایبند به این روش هستند و آنهایی هم که در آنجاها زندگی می کنند، بر دو قسم هستند که باز هم اشاره کردم. یک قسم کسانی هستند که واقعا منطق و استدلال و بحث درست را می پذیرند. خب انسان می نشیند و با آنها مستند و مؤدب و بامتانت صحبت می کند. یک قسم کسانی هستند که تعصب دارند. ما معمولاً گفته ایم با متعصبین کاری نداشته باشید. ما به دوستان مان سفارش کرده ایم کسانی را که تعصب دارند، رها کنیم. کسانی را که آمادگی دارند، بر اساس منطق و استدلال و برهان با آنها وارد بحث شوید. من توصیه کردم که در ابتدا خودمان وارد بحث نشویم. اگر آنها تقاضا کردند، وارد بحث شویم. ما نمی رویم آنجا به خاطر اینکه خودمان درگیری ایجاد کنیم. اما اگر خودشان سؤالی و شبهه ای را مطرح کردند و در واقع خودشان تقاضا کردند. آن وقت است که ما با آن دو شرطی که عرض کردم، وارد بحث می شویم و خیلی هم مفید و مؤثر بوده.

الان در زاهدان در بعضی از شهرهای سیستان و بلوچستان برنامه داریم. فضایی ما به آنجا می روند و برنامه هایشان را اجرا می کنند. بعضی از ائمه جمعه در آن شهرستان همکاری دارند و برنامه های ما با اطلاع مقامات دولتی انجام می گیرد و موفق هم بوده اما با همان دو شرطی که عرض کردم.

- یک سری سؤالات در رابطه با وحدت شیعه و سنی شده، چند تا سؤال است که حضرت عالی الان به خوبی جواب دادید که تنش ایجاد نکنیم.

- بله این عرضی که الان کردم، بهترین راه برای وحدت و تقارب بین شیعه و اهل تسنن است که اولاً ما خودمان ابتدا بحث را آغاز نکنیم و ثانیاً با آنها حسن برخورد داشته باشیم. اگر خودشان تقاضای بحث کردند، با این دو قید وارد بحث می شویم. بنابراین هیچ اختلافی و هیچ تفرقه ای پیش نمی آید. بحث است دیگر، هیچ کس با بحث مخالف نیست. هیچ احدی با بحث متین و علمی مخالفتی ندارد. هیچ احدی جلوی بحث را نمی گیرد. بنابراین با این دو شرط اگر عمل بکنیم، هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد.

- سؤال شده حدیث داریم: «**شیعتنا العرب و عدونا العجم**» این یعنی چه؟

- این روایت کجا است؟!

- نوشته اند کجا است.

یکی از سؤالات دیگری که مطرح کرده اند، می گویند ما وقتی به مخالفین یا افرادی که سؤال دارند، مطرح می کنیم که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اتفاقاتی که بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله افتاد، مأمور به سکوت بودند. این سؤال برای مخاطب پیش می آید که اگر مأمور به سکوت بوده اند، چرا حضرت زهرا علیها السلام سکوت نکرده اند؟

- این قضیه را باید درست متوجه بشویم. این جوری هم که بنده بیان می کنم، به هیچ جا بر نمی خورد. خوب دقت کنید چه عرض می کنم. اصل قضیه چه بوده؟ اصل قضیه این بوده که در طول این ۱۰ سالی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه بودند، امیرالمؤمنین علیه السلام را همچنان

به عنوان خلیفه و امام مسلمین بعد از خودشان معرفی کرده اند. حالا با مکه کار نداریم. فعلاً مدینه را عرض می‌کنم که این ۱۰ سال پیغمبر اکرم ﷺ هیچ گونه کوتاهی ای در تبلیغ این قضیه نداشته اند. کاملاً بیان کرده اند. تا رسید به روز غدیر خم. در روز غدیر خم هم بیعت شد. این را همه می‌دانند. این «بَخِ بَخِ لَكَ يَا عَلِيُّ أَصْحَبَتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَا كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ» در منابع معتبر موجود است. تلاش هایی کردند تا واقعه غدیر خم و روز غدیر خم را به دست فراموشی بسپارند اما این تلاش ها از نظر علمی بی اثر شده. حتی یکی از تلاش ها این بوده که آن دو نفر که گفتند: **بخ بخ لک یا علی اصبحت مولای و مولا کل مومن و مومنه** که در منابع اولیه موجود است. در مقابل آن این روایت را جعل کرده اند که راوی از یک کسی می‌پرسد، می‌گوید: آیا ابوبکر و عمر در روز غدیر خم حضور داشتند؟ می‌گوید: نه والله! حضور نداشتند! این را جعل کردند. همچنانی که جعل کردند که اساساً امیرالمؤمنین ﷺ در روز غدیر خم نبودند و به این خاطر بود که بیعت آن دو نفر را مورد انکار قرار بدهند که نخیر نبودند این دو نفر. اینها فایده ندارد. این تلاش ها بی اثر است. غدیر خم و روز غدیر و حدیث را نمی‌توانند تضعیف بکنند. نه متنش را و نه سندش را و نه دلالتش را. بنابراین امیرالمؤمنین ﷺ جانشین رسول الله ﷺ بودند. اما همه می‌دانند و این در تاریخ از مسلمات تاریخ است که جلسه سقیفه منعقد شد و چه کسانی بودند و در آنجا چه شد. همه اینها در منابع موجود است.

امیرالمؤمنین ﷺ در این شرایط چه باید می‌کردند؟ امیرالمؤمنین ﷺ در این شرایط بهترین راه و عاقلانه ترین کار را انجام دادند. ایشان بعد از این که از امر پیغمبر اکرم ﷺ (کفن و دفن ایشان) فارغ شدند، به خانه شان رفتند و در اتاق شان نشستند. آن ها مردم را بر بیعت وادار کردند. کشان کشان مردم را به مسجدالنبی می‌آوردند برای بیعت! چند بار آمدند حضرت امیر ﷺ را ببرند برای بیعت، امیرالمؤمنین ﷺ از خانه بیرون نیامدند. در مسجد النبی مطرح شد که تا وقتی علی ﷺ بیعت نکند، امر خلافت تمام نخواهد شد. لذا تصمیم گرفتند به هر قیمتی شده حضرت را برای بیعت بیاورند! تصمیم گرفتند و در منابع دست اول موجود است. در نوشته جات خود بنده از منابع دست اول نوشته ام و چاپ شده و ترجمه هم شده به زبان های دیگر، نگاه بکنید که دستور داده شد که او را هر چند کشان کشان بیاورید و اگر مقاومت کرد، او را به قتل برسانید. اگر امیرالمؤمنین ﷺ بعد از ۱۵ قرن که ما در اینجا نشستیم ایم، می‌گفتیم که خودشان آمدند، خودشان بیعت کردند. پس معلوم می‌شود آن برنامه بر حق بوده که حضرت امیر ﷺ آمدند! اما خودشان نیامدند و ایشان را کشان کشان آوردند! که ما بعد از ۱۵ قرن چه می‌گوییم؟ می‌گوییم امیرالمؤمنین ﷺ بیعت نکردند و اگر بیعت کرده باشند، از روی اجبار و اکراه بیعت کردند. خب بیعت اکراهی هم اعتبار ندارد.

در منابع نگاه بکنید. بنده از خودم یک کلمه نمی‌گویم. این را که دارم می‌گویم، دقیقاً از منابع هست. بنا بر این بود که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ که به پای خودشان نیایند. خب اگر به پای خودشان آمده بودند که نقض غرض می‌شد. صدیقه طاهره ﷺ آمدند به این ها گفتند که اینجا خانه من است. من راضی نیستم وارد خانه بشوید. این هم خیلی طبیعی است. آن ها بی شک تصمیم شان را گرفته بودند. در خانه را فشار دادند و آن مسائل اتفاق افتاد. وارد شدند و کشان کشان بردند حضرت امیر ﷺ را. وقتی این داستان را به این جوری که بنده عرض کردم از روی منابع خوب درک کنیم، جای هیچ سؤالی باقی نمی‌ماند. این نیست که امیرالمؤمنین ﷺ حضرت زهرا ﷺ را فرستاده باشند. این نیست که امیرالمؤمنین ﷺ از ترس در خانه نشستند باشند. این نیست که حضرت زهرا ﷺ آمدند و خواستند با آنها درگیر بشوند! هیچ یک از اینها نبوده. دستور این بوده که به هر جوری شده، هر چند کشان کشان، بروید بیاورید. و حضرت نباید با پای خودشان می‌آمدند. اگر با پای خودشان می‌آمدند، امضاء شده بود آنچه که واقع شد. پس نباید می‌آمدند. لذا ما عرض کردیم بعد از ۱۵ قرن می‌گوییم به اینکه ما تابع علی ﷺ هستیم و علی ﷺ بیعت نکرد. امیرالمؤمنین ﷺ اگر بیعت کرده باشند، بیعت اکراهی بوده و این اعتبار ندارد. لذا ما تابع ایشان هستیم.

داستان حضرت زهرا علیها السلام هم این است. ایشان نیامده بودند که با کسی درگیر شوند. از پشت در به این ها گفتند: اینجا خانه من است. راضی نیستم وارد این خانه بشوید. اما آنها دستور داشتند که برنامه را اجرا بکنند. لامحاله در را فشار دادند و آنچه که می دانید، واقع شد. وارد شدند و کشان کشان حضرت امیر علیه السلام را بردند و عرض کردم در منابع وجود دارد که اگر مقاومت کرد، او را به قتل برسانید. تمام حرف این بوده که امیرالمؤمنین علیه السلام هم می خواستند شمشیر نکشند و هم می خواستند به دنیا و نسل های آینده و تا روز قیامت اعلام کنند که جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله منم. و این هدف امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق پیدا کرده. این مقصد امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق پیدا کرده اما در این راه صدیقه طاهره علیها السلام و فرزندشان حضرت محسن علیه السلام هم صدمه دیدند و به شهادت رسیدند. این خلاصه مطلب و شما اهل مطالعه و تحقیق باشید. به کتاب های دست اول مراجعه کنید. محققاً نگاه کنید همه آنچه را که عرض کردم. به تفصیل بدست می آید و بنده فقط اشاره کردم.

- خیلی متشکر. سؤالات دیگری هم هست که وقت به ما اجازه نمی دهد. به عنوان آخرین سؤال، دوست عزیزمان که آن حدیث شیعیاناً **العَرَبُ وَ عَدُوْنَا العَجَمِ** را مطرح کردند، الان نوشته ای فرستاده اند. دو آدرس با عبارات مختلف داده اند. یکی از امام صادق علیه السلام: «نَحْنُ قُرَيْشٌ وَ شِيعَتُنَا العَرَبُ وَ عَدُوْنَا العَجَمِ» جلد ششم سفینه، صفحه ۱۶۶. یکی هم روایتی است از کتاب **اصول کافی** جلد هشتم، صفحه ۱۶۸: «نَحْنُ بَنُو هاشِمٍ وَ شِيعَتُنَا العَرَبُ وَ سَائِرِ النَّاسِ الأَعْرَابِ»

- آن فاضل محترمی که این سؤالات را مطرح کردند، الان هم آدرس می دهند، دستشان درد نکند. اما زحمت بکشند به سند این روایت نگاه بکنند ببینند معتبر است یا نه. والسلام.

- خداوند متعال همه ما را هم به علم و هم به تحقیق و هم به عمل صالح و هم به خدمت گزاری اهل بیت علیهم السلام و ترویج و احیای امرشان موفق بدارد. خداوند متعال همه ما را در این راه ثابت قدم بدارد و جزو خدمتگزاران قرار بدهد. به اعتقاد من در این زمان اگر کسی برای امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان و قلم و تدریسش یا در هر بعدی که انگیزه و استعداد دارد، خوب کار کند، می تواند خدمتگزار باشد و به نظر من اجرش در این زمان کمتر از اجر اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام نخواهد بود.

خداوند متعال همه ما را موفق بدارد که در این راه هم ثابت قدم و هم قوی باشیم و هم خدمت مؤثر داشته باشیم و مورد رضای حضرت ولی عصر علیه السلام قرار بگیریم که اگر خوب کار بکنیم، قطعاً حضرت ما را دعا می کنند و دعای حضرت ولی عصر علیه السلام مستجاب است یقیناً.

**اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ انصارِهِ وَ اعوانِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ حُضُورِهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
الظَّاهِرِينَ**